

بحران‌های مالی و دلایل ثبات مالی نسبی بانکداری اسلامی در سطح بین‌المللی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۱/۲۰ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۲/۲۷)

آریا عزیزی

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

چکیده

در بانکداری اسلامی تسهیلات اعطایی در قالب عقود منطبق با شریعت اسلامی در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد عقود اسلامی در قالب دو دسته عقود مبادله‌ای تقسیم‌بندی می‌شوند با توجه به ضرورت استفاده از عقود مشارکتی بانکداری اسلامی زمانی به الگوی مطلوب بانکداری اسلامی نزدیکتر می‌گردد که بدنه اصلی این بانکداری مبتنی بر عقود مشارکتی باشد و عقود مبادله‌ای هنگامی که این عقود کاربرد ندارند مورد استفاده قرار می‌گیرد اگر عقود اسلامی علی‌الخصوص عقود مشارکتی به درستی اجرا شوند این نوع بانکداری دارای مزیتها و منافع فراوانی نسبت به بانکداری متعارف است که با استفاده از این مزیتها می‌تواند با ایجاد تطابق بین دارایی‌ها و بدهی‌های بانکها کاهش اهرم مالی و بدهی جذب و تعدیل خودکار شوک‌های حقیقی اقتصاد برقراری پیوند بین خلق پول با تولید حقیقی اقتصاد و کاهش فعالیت‌های سفته‌بازی و جلوگیری از خروج سریع و کوتاه مدت سرمایه‌ها از یک کشور تا حد زیادی قادر به جلوگیری از بروز بی‌ثباتی‌های مالی و بحرانهای متعاقب آن باشد به ویژه اگر اخلاق اسلامی در جامعه نهادینه شده باشد.

۲۶۱



بخش اول: کلیات

با تحریم ربا و منع فعالیت های ربوی که به معنای ممنوعیت شرط دریافت اضافی در ازای قرض می باشد استفاده از قراردادهایی مانند مسابقات، مضاربه، مزارعه، اجاره و... میان مسلمانان در یطح بین المللی رواج بیشتری یافت بعدها تشکیل موسساتی به نام بانک که کار اصلی آنها دریافت و پرداخت وام با بهره شد به تدریج در کشورهای مسلمان تحت سیطره مستقیم یا غیر مستقیم غربی ها (در دنیا) رایج شد و بانکداری مبتنی بر بهره در کشورهای اسلامی بین المللی نیز رواج یافت از سوی دیگر با احیای مجدد اسلام در قرن بیستم مسلمانان به فکر تاسیس بانکهای منطبق بر شریعت اسلامی افتادند که اکنون در نتیجه تلاش آنها بیش از سه دهه است که بانکهای اسلامی شکل گرفته اند و بانکداری اسلامی در قالب جدید از رشد قابل توجهی هم برخوردار شده است به گونه ای که امروزه نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه در کشورهای غیر اسلامی در عرصه بین المللی نیز شاهد حضور بانکها و نهادهای مالی اسلامی در کنار بانکهای متعارف^۱ هستیم. در بانکداری اسلامی تسهیلات اعطایی در قالب عقود منطبق با شریعت اسلامی در اختیار متقاضیان قرار می گیرد عقود اسلامی در قالب دو دسته عقود مشارکتی و عقود مبادله ای تقسیم بندی می شوند که توضیح اجمالی آن ها به صورت زیر است^۲:

بند اول: قراردادهای مشارکتی و ویژگی های آن

مطابق فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا کشورهای مسلمان، بانک ها می توانند از طریق قراردادهای مشارکتی زیر کل یا بخش از سرمایه مورد نیاز بنگاه های اقتصادی را تامین کنند (هدایتی و همکاران ۱۳۸۶، ص ۳۳۳):

- أ. مشارکت مدنی: براساس عقد شرکت بانک بخشی از سرمایه مورد نیاز بنگاه اقتصادی را تامین کرده در مالکیت و به دنبال آن در سود بنگاه شریک می شود.
- ب. مشارکت حقوقی: بانک با تخصیص بخشی از منابع، به خرید بخشی از سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اقدام کرده همانند سایر سهامداران در سود شرکت شریک می شود.
- ت. مضاربه: بانک براساس قرارداد مضاربه، سرمایه مورد نیاز تاجر و بنگاه تجاری را تامین کرده، طبق توافق در سود فعالیت بازرگانی شریک می شود.

^۱. Conventional Banks

- هم اکنون چندین نوع بانک اسلامی در جهان در حال فعالیت هستند در این مقاله روش های تخصیص منابع بانکهای اسلامی در چارچوب الگوی بانکداری بدون ربا برای ایران یا همان قانون عملیات بانکداری بدون ربا بررسی می شود.^۲

ث. مزارعه: بانک براساس قرارداد مزارعه زمین موردنیاز زارع برای کشاورزی و زراعت را فراهم کرده، در اختیار او می‌گذارد و طبق توافق، محصول زراعی را بین خود تقسیم می‌کنند.

ج. مساقات: بانک براساس قرارداد مساقات باغ مورد نیاز باغبان را فراهم کرده در اختیار او می‌گذارد و طبق توافق، محصول باغ را بین خود تقسیم می‌کنند.

ویژگی های عقود یا قراردادهای مشارکتی عبارتند از (موسویان؛ ۱۳۸۴: صص ۵۲-۵۱):

- انتظاری بودن انتفاع طرفین قرارداد: یعنی بانک و متقاضی تشبیهات انتظار دارند طبق پیش بینی سودی داشته باشند اینکه در عمل ممکن است چه اتفاقی بیفتد از قبل بطور قطعی تعیین نیست.
- متغیر بودن نرخ سود: هر چند در این عقود در ابتدا سهم سود انتظاری برآورد می‌شود اما سود واقعی در پایان قرارداد معلوم می‌گردد و به صورت طبیعی از موردی به مورد دیگر متفاوت خواهد بود. این ویژگی صرفاً در پایان دوره مالی سود متغیر را به سود قطعی تبدیل می‌کند.
- ایجاد رابطه شراکت بین صاحبان پول (که به سرمایه مبدل می‌شود) و متقاضیان سرمایه گذاری با ایافی نقش و کالت از سوی بانک.
- نظارت و کنترل: بدین معنی که قراردادهای مشارکتی و کیل (بانک) موظف است در طول دوره اجرای سرمایه گذاری بر کیفیت به کارگیری منابع نظارت و کنترل داشته باشد.
- ارتباط تنگاتنگ بانک با بازار کالاها و خدمات حقیقی.

بند دوم: عقود مبادله ای و ویژگی های آن

بانک ها از طریق عقود (قراردادهای) مبادله ای هم با استفاده از منابع در اختیار گرفته تقاضای متقاضیان را پاسخ می‌دهند (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۱ ص ۳۳۲):

- ا. فروش اقساطی: خرید کالای مورد نیاز متقاضی به صورت نقد با احتساب سود، و فروش آن به صورت نسبه (اقساطی) به متقاضی.
 - ب. اجاره به شرط تملیک: تهیه سرمایه ثابت و مستغلات مورد نیاز متقاضیان به صورت نقد با احتساب سود و واگذاری آن به صورت اجاره به شرط تملیک به متقاضیان.
 - ت. جعاله: تملک خدمات مورد نیاز متقاضیان به جعاله نقدی، و تملیک آن در جعاله ثانوی به صورت اقساطی به متقاضی.
- ث. سلف: پیش خرید بخشی از محصول آینده متقاضی به منظور تامین نقدینگی و سرمایه در گردش مورد نیاز وی.



ج. خرید دین: خریداری (تنزیل) اسناد مالی (طلب) مدت دار متقاضی با احتساب سود.
ح. مباحه: معادله ای است که فروشنده قیمت تمام شده کالا (قیمت خرید و هزینه مربوط) را به اطلاع مشتری می‌رساند و سپس تقاضای مبلغ یا درصدی به عنوان سود می‌کند. (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۰ ص ۱-۲).

خ. استصناع: استصناع یا قرارداد سفارش ساخت، قراردادی بین دو شخص حقیقی و حقوقی مبنی بر تولید کالای خاص یا احداث طرح خاص است که در آینده ساخته و قیمت آن نیز در زمان یا زمان های توافق شده به صورت نقد یا اقساط پرداخت می‌شود (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۰ ص ۶)
ویژگی های عقود مبادله ای نیز در انتفاعی بودن قرارداد معین بودن سود آن مشارکتی نبودن عدم نیاز به نظارت و کنترل و نیاز به ارتباط با بازار حقیقی اقتصاد می‌باشد.

بند سوم: ضرورت استفاده از عقود مشارکتی

حال این سوال مطرح می‌شود که بانک های اسلامی تا چه حد با نظام بانکداری مطلوب اسلامی فاصله دارند؟ این سوال را باید با توجه به کمکی که این بانک ها در رسیدن نظام اقتصادی اسلام به اهدافش می‌کنند پاسخ داد گفته می‌شود که هدف نظام اقتصادی اسلام عدالت اقتصادی است. بانک ها در عقود مشارکتی به عنوان وکیل سپرده گذاران با مشارکت مستقیم در بازار حقیقی اقتصاد در سود و زیان فعالیت های اقتصادی شریک می‌شوند و هم درآمد و هم ریسک فعالیت های اقتصادی را با سرمایه گذاران تقسیم می‌کنند در نتیجه توزیع ریسک و درآمد عادلانه ای را به ارمغان می‌آورند در واقع در جهت هدف نظام اقتصادی اسلام یعنی ایجاد عدالت اقتصادی گام بر می‌دارند. اما در عقود مبادله ای بانک ها از طریق تعیین نرخ سود مشخصی درآمد ثابتی را برای خود در نظر می‌گیرند ولی در عمل این که آیا این درآمد ثابت به دست می‌آید یا نه بستگی به ماهیت عقود دارد در برخی از عقود مانند فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و خرید دین که عقود با بازدهی ثابت شهرت دارند این درآمد ثابت به دست خواهد آمد در نتیجه از نظر توزیع ریسک و درآمد عادلانه عملکرد ضعیفی دارند ولی در عقود سلف و جعاله که عقود با بازدهی متغیر شهرت دارند، با توجه به این که بانک در معرض ریسک تغییر قیمت بازار قرار دارد، درآمد متغیر خواهد بود. در نتیجه توزیع ریسک عادلانه تری را نسبت به عقود با بازدهی ثابت به همراه دارند.

بنابراین در کل می‌توان گفت عقود مشارکتی به دلیل تسهیم ریسک و درآمد عادلانه تر، توانایی بیشتری در ایجاد و برقراری عدالت اقتصادی دارند و در نتیجه الگوی مطلوب تخصیص منابع در

بانکداری اسلامی، الگویی است که در آن عقود مشارکتی، بدنه اصلی بانکداری اسلامی را تشکیل دهد، و عقود مبادله ای هنگامی که عقود مشارکتی کاربرد ندارند مورد استفاده قرار می گیرد. دلیل این گفته را نیز در تاریخ صدر اسلام (جامعه مدنی مسلمنان) مشاهده می کنیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم بعد از تحریم ربا، در مبادلات و فعالیت های اقتصادی، افراد را به بستن عقود مشارکتی تشویق می کردند براب نمونه بعد از جنگ خیبر و پیروزی بر قوم یهودی، با وجود این که احتمال خیانت و گزارش نادرست از سوی یهودیان در مورد مقدار محصول، بسیار زیاد بود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم زمین های زراعی و باغات خیبر را با بستن عقد مزارعه و مساقات در اختیار آنان قرار داد، در حالی که می توانست به آنان اجاره دهد (موسویان، ۱۳۸۱ ب ص ۱۷۲).

پس ما در این مقاله بانکداری اسلامی را بانکداری می دانیم که بدنه اصلی آن مبتنی بر قراردادهای مشارکتی باشد و از عقود مبادله ای هنگامی استفاده شود که عقود مشارکتی کاربردی نداشته باشند.

بخش دوم: بحران مالی

در ادبیات مربوطه تعریف کاملاً دقیقی برای بحران مالی وجود ندارد ولی دو تعریف زیر را می توان برای آن برشمرد:

بحران مالی یک اختلال در بازارهای مالی است که اساساً به کاهش یافتن قیمت دارایی ها و ورشکستگی میان قرض دهندگان و واسطه های مالی که سراسر نظام مالی بخش می شود نسبت داده می شود و ظرفیت بازار را برای تخصیص سرمایه دچار اختلال می کند.

همچنین به گفته میشکین (۱۳۷۸) بحران مالی هنگامی رخ می دهد که منابع مالی پس اندازکنندگان به دلیل حاد بودن سائل مربوط به خطرات اخلاقی و انتخاب نامناسب، نتواند به شیوه کارایی به دست کسانی که فرصت های مناسبی برای سرمایه گذاری دارند هدایت شود به دلیل همین ناتوانی و عدم کارایی بازار مالی فعالیت های اقتصادی به طور ناگهانی دچار اختلال خواهد شد. بحران های مالی یک خصوصیت چشم انداز مالی برای صدها سال بوده اند آنها اغلب همانند بحران وام های رهنی زیر ممتاز^۱ در اگوست ۲۰۰۷ بدون هشدار ظاهر می شوند بحرانها می توانند منجر به خسارت سنگینی به اقتصاد یک کشور شوند و باعث کاهش شدید در تولید یک کشور به اندازه gdp چندین سال آن شوند در حقیقت یکی از مهمترین عواقب بحرانهای مالی هزینه های سنگینی است که آنها به اقتصاد حقیقی یک کشور تحمیل می کنند. بسیاری از اقتصاددانان نظریات مختلفی درباره اینکه چگونه

¹ - subprime mortgage crisis



بحرانهای مالی شکل می گیرند و گسترش می یابند و چگونه باید از آنها جلوگیری کرد پیشنهاد داده اند البته در این موارد اختلاف نظر وجود دارد. در دنباله بحث برخی از مهمترین انواع بحرانهای مالی و اقتصادی را بیان می کنیم.

بخش سوم: انواع بحران های مالی

برخی از مهمترین انواع بحران های مالی را می توان به صورت زیر طبقه بندی کرد.

بند اول: بحران های بانکی

بورردو و همکاران (۲۰۰۱) یک بحران بانکی را بصورت زیر تعریف می کنند یک دوره فشار و اضطراب مالی که بقدر کافی شدید است که منجر به فرسایش اکثر یا همه سرمایه در نظام بانکی شود. بحرانهای بانکی را می توان به چهار دسته، هجوم بانکی^۱، وحشت بانکی^۲، بحران اعتباری یا تنگی اعتبار^۳ و بحران سیستمس بانکی در سطح بین المللی تقسیم نمود.

شرایطی که در آن همزمان تعداد زیادی از بانک ها دچار مسئله هجوم بانکی می شوند وحشت بانکب نامیده می شود اگر هجوم بانکی به کل شبکه بانکی سرایت کند بحران بانکی سیستمی نامیده می شود در حقیقت به گفته لیون و والنسیا ۲۰۰۸ این بحران زمانی وجود دارد که تمام یا تقریباً تمام سرمایه های بانکداری در یک کشور محو شود بحران بانکب سیستمی به کرات در جهان رخ داده است به طوریکه بین سالهای ۲۰۰۷-۱۹۷۰ تا ۱۲۴ بحران بانکی سیستمی شده است (Laeven, L& Valencia, F, ۲۰۰۸) هم چنین شرایطی که هنوز هجوم بانکی به کل شبکه بانکی گسترش نیافته است اما بانکها به دلیل نگرانی از ناکافی بودن وجوه در دسترس برای پاسخ به برداشت مشتریان از سپرده ها میلی به قرض دادن ندارند تنگی اعتبار یا بحران اعتباری نامیده می شود(درخشان، ۱۳۸۷، ص ۱۸) به گفته فراتیانی و مارچیونه (۲۰۰۹) با این کار بانکها به بحران مالی شتاب داده و آن را تشدید می کنند.

بند دوم: بحرانهای ناشی از حبابهای سفته بازی و سقوط ها

به گفته برونرمایر (۲۰۰۸) زمانی که قیمت یک دارایی مالی (مانند سهام) از ارزش فعلی درآمدهای آینده آن که تا زمان سر رسید دریافت می شود فراتر رود این دارایی یک حباب را نشان می دهد شکل گیری حباب ها ارتباط نزدیکی با فعالیت های سفته بازی دارند زمانی که اکثر شرکت کنندگان

¹ - bank run

² - banking Panic

³ - credit crunch or credit squeeze or credit crisis

یک دارایی را به جای خریدن برای به دست آورده درآمدهایی که در آینده بدست می دهد به این نیت بخرند که از تغییرات قیمت آن دارایی بخصوص در کوتاه مدت سود ببرند این مدارکی دال بر وجود حباب خواهد بود در حقیقت رونق فعالیتهای سفته بازی کاذب که هدفش صرفاً سودجویی از تغییرات قیمت دارایی مالی است باعث شکل گیری حباب های سفته بازی می شود زمانی که حبابی شکل بگیرد ریسک ترکیدن این حباب و سقوط قیمت دارایی نیز وجود خواهد داشت حال زمانی که برخی سفته بازان حدس بزنند که احتمال کاهش قیمت دارایی در آینده ای نزدیک وجود دارد اقدام به فروش این دارایی خواهند کرد این کار باعث خواهد شد که دیگر سفته بازان و دیگر صاحبان دارایی نیز به طور گله وار برای دور ماندن زیان قیمت دارایی کار آنها را تقلید کنند بنابراین قیمت دارایی به شدت کاهش می یابد در حقیقت گفته می شود که حباب دارایی ترکیده است یا سقوط در قیمت دارایی رخ داده است البته در عمل تعیین اینکه قیمت یک دارایی برابر با ارزش ساختاری^۱ آن است سخت است و لذا پی بردن به وجود حباب ها با اطمینان نیز دشوار است.

نمونه های مشهوری از حباب ها سقوط در قیمت سهام و دیگر دارایی های مانند: سقوط وال استریت^۲ در سال ۱۹۲۹، ترکیدن حباب دارایی ژاپن در دهه ۱۹۸۰، سقوط حباب دات کام^۳ در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰ و ترکیدن بازار مسکن در سال ۲۰۰۶ در آمریکا می باشد.

بند سوم: بحران های مالی بین المللی

بحران های مالی بین المللی را می توان به دو دسته بحرانهای ارزی و بحران های ناشی از سوخت تعهدات دولتی^۴ تقسیم بندی کرد. هرگاه کشوری که نرخ ارز ثابتی را حفظ می کند به طور ناگهانی مجبور شود که ارزش پول ملی اش را به خاطر یک حمله سفته کاهش دهد این وضعیت بحران ارزی یا بحران تراز پرداخت ها^۵ بازی^۶ نامیده می شود.

در حقیقت بحران ارزی یک نوع بحران مالی است که ارزش پول رایج یک کشور طوری ناپایدار

1- fundamental value

2- wall street

3- dot-com bubble

4- sovereign default

- حمله سفته بازی عبارت است از فروش گسترده دارایی ارزی یک کشور به وسیله هر دوی سرمایه گذاران داخلی و خارجی کشورهایی که نرخ ارز ثابتی را دنبال می کنند نسبت به کشورهایی که از یک نرخ ارز شناور استفاده می کنند بیشتر مستعد حمله سفته بازی هستند.^۵

6- Balance of payment

شود که دیگر نتوان به عنوان وسیله مبادله قابل اعتماد از آن استفاده کرد (www.business dictionary.com) هم چنین اگر کشوری توان پرداخت تعهدات دولتی خود را نداشته باشد به آن سوخت تعهدات دولتی گفته می شود.

در اکثر موارد مشاهده می شود که کاهش ارزش پول ملی و سوخت شدن تعهدات دولتی در نتیجه تغییر در احساس سرمایه گذار است که موجب می شود جریان ورودی سرمایه خود را به طور ناگهانی متوقف کند یا به طور ناگهانی اقدام به خروج سرمایه نماید.

از بحرانهای مالی بین المللی می توان بحران ارزی جنوب شرق آسیا در سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۷ و بحران مالی روسیه در سال ۱۹۹۸ که منجر به کاهش روبل و عدم توانایی روسیه در بازپرداخت تعهدات دولتی شد نام برد.

بخش چهارم: برخی از دلایل ثبات مالی بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف

بند اول: مسئله عدم تطابق دارایی - بدهی

یکی از مهمترین عواملی که باعث بروز بی ثباتی و بحران های مالی می شود عدم تطابق دارایی ها با بدهی های بانک است این وضعیت زمانی می تواند پدید آید که ریسک مربوط با دارایی ها و بدهی های بانک باهم یکسان نباشند بنابراین ممکن است تغییر در شرایط بازار مالی باعث شود که برابری بین دارایی ها و بدهی های بانک به هم بخورد برای توضیح این مطلب فرض کنید که بنگاهی برای تامین مالی طرحهای سرمایه گذاری خود به یک بانک مراجعه و تقاضای اعطای وام می کند در صورت داشتن شرایط لازم (مانند ارزش اعتباری بالا وجود جریان نقد و وثیقه کافی) بانک اقدام به اعطای وام به آن بنگاه می کند در نتیجه بنگاه هزینه های ثابتی را که شامل اصل وام به علاوه بهره آن است متحمل شده در حالی که از آن طرف سودآوری بنگاه متغیر است در حقیقت انتظار دارد طرحای سرمایه گذاریش سودآور باشند اما در واقعیت ممکن است این طرح ها سودآور یا زیان آور باشند حال اگر طرحهای سرمایه گذار بنگاه زیان ده باشند با توجه به اینکه بنگاه هزینه های ثابتی را متحمل شده است احتمال دارد نتواند بدهی خود را به بانک پرداخت کند هر چه میزان زیان دهی طرحهای سرمایه گذاری بنگاه بیشتر باشد احتمال عدم توانایی باز پرداخت وجوه قرض گرفته شده از بانک بیشتر شده و به دنبال آن احتمال ورشکستگی بنگاه افزایش خواهد یافت در صورت عدم بازپرداخت وام دارایی بانک نیز از دست می رود در حالیکه در طرف منابع خود بدهی های ثابتی را که شامل اصل و بهره سپرده ها می شود تقبل کرده است بنابراین بانک نیز متضرر خواهد شد حال اگر بانک در

سطح وسیعی اقدام به اعطا وامهای مشابه کرده باشد و به دلیل زیان دهی سرمایه گذاری های مشابه وامهای اعطایی بانک سوخت شده باشند ممکن است دارایی بانک بدان حد از دست رود که بدهی هایش کمتر گشته و در نتیجه ورشکست شود حتی اگر ورشکست هم نشود دچار کمبود نقدینگی شده و اقدام به کاهش اعطای اعتبار و شاید هم مجبور شود داراشش هایش را نقد کند در حقیقت بانک به خاطر عدم تعدیل پذیری دارایی هایش متناسب با بدهی هایش که یکی ثابت و دیگری به علت زیان دهی طرحهای سرمایه گذاری متغیر گشته دچار بی ثباتی مالی خواهد شد حال اگر بانک های دیگر نیز طرح های سرمایه گذاری مشابهی را تامین کرده باشند به علت زیان دهی سرمایه گذاری ها آنها نیز همین وضعیت را خواهند داشت؛ یعنی یا ورشکست شده یا دچار کمبود نقدینگی می شوند بنابراین شرایط وام دادن در بازار و تامین مالی مجدد سخت گشته و بحران اعتباری به وجود می آید که همان گونه که ذکر گردید بحران مالی موجود را تشدید خواهد کرد.

اما یک ویژگی بانکهای اسلامی این است که می تواند از طریق تعدیل پذیری لازم در طرف منابع (بدهی ها) متناسب با دارایی ها برابری بین دارایی ها و منابعشان را به وجود آورده و از بروز بی ثباتی های مالی جلوگیری کنند. برای توضیح این مطلب ابتدا فرض کنیم که بانکهای اسلامی به عنوان وکیل سپرده گذاران وجوه جمع آوری شده از سپرده های سرمایه گذاری و منابع خود را فقط از طریق عقود مشارکتی به فعالیت های سرمایه گذاری تخصیص می دهند بنابراین در صورتی که طرحهای سرمایه گذاری سودآور باشند این سودها بین بانکها و بنگاه ها به نسبت سرمایه تقسیم خواهد شد بانک ها نیز پس از کسر حق الوکاله خود بقیه سودها را بین خود و سپرده گذاران به نسبت سرمایه تقسیم می کنند و به طور مشابه در صورتی که طرحهای سرمایه گذاری زیان آور باشند بین بانکها و بنگاه ها به نسبت سرمایه تقسیم شده و بانکها نیز این زیان ها را از منابع خود و سپرده ها کسر خواهند کرد (البته در صورتی که سپرده ها بیمه نشده باشند) در نتیجه در صورت زیان آور بودن طرح های سرمایه گذاری عقود مشارکتی باعث خواهند شد که تحمل زیان برای بنگاه ها راحت تر شده و احتمال عدم پرداخت وجوه باقی مانده بانک و ورشکستگی به شدت کاهش یابد حال اگر در سطح وسیعی سرمایه گذاری هایی که بانکها تأمین مالی کرده اند زیان ببینند اولاً با توجه به شراکت در سرمایه گذاری ها (بخصوص اگر در صنعت خاصی باشد) و تحمل بخشی از زیان از بروز رکود شدید مثل آنچه در اقتصاد متعارف به وجود می آید جلوگیری می کنند هم چنین بانکها چون وکیل سپرده گذاران هستند زیان را از حساب سپرده سپرده گذاران کسر می کنند (به علت اینکه سپرده گذاران در سود و زیان فعالیت



اقتصادی شریک شده اند) و لذا از ورشکست شدن رهایی می یابند در حقیقت بخشی از ریسک سرمایه گذاری های بنگاه ها به بانکها منتقل گشته و بانکها نیز این ریسک را بین سپرده گذاران پخش می کنند بنابراین ویژگی تسهیم ریسک نظام بانکداری اسلامی (عقود مشارکتی) باعث کاهش قابل توجهی در احتمال ورشکستگی بنگاه ها و به دنبال آن بانکها خواهد شد. حتی اگر بانکهای اسلامی به جای عقود مشارکتی از عقود مبادله ای در تخصیص منابع استفاده کنند نتیجه بحث برای نظام بانکی تغییر چندانی نخواهد کرد برای مثال اگر بانک ها به جای مشارکت در سرمایه گذاری بنگاه اقدام به خرید محصول بنگاه با استفاده از عقد سلف کنند با توجه به اینکه در زمان خرید قیمت انتظاری محصول در هنگام تحویل در نظر گرفته می شود در نتیجه ممکن است در صورت رکود در آن صنعت قیمت محصول بنگاه کاهش یابد و بانک از این لحاظ نه تنها سودی به دست نیاورد بلکه ضرر کند اما باید گفت که ویژگی تعدیل پذیری دارایی ها و منابع بانک باعث خواهد شد که کاهش دارایی های بانک متناسب با کاهش منابع بانک از طریق انتقال و پخش زیان به سپرده گذاران همراه باشد و لذا بانک با مشکل عدیده ای از نظر نقدینگی مواجه نشود. بنابراین در نظام بانکداری اسلامی تعدیل پذیری بدهی ها متناسب با دارایی های بانک ها باعث حفظ برابری بین دارایی ها و منابع شده و از بروز بی ثباتی های مالی و به دنبال آن از بروز بحرانهای مالی و اعتباری که پیامد این بی ثباتی ها هستند جلوگیری کرده و ثبات بیشتری را برای نظام مالی به ارمغان می آورد.

بند دوم: میزان اهرم مالی و بدهی بالا

اهرم مالی یا میزان اتکا به وام به معنی قرض گرفتن برای تامین مالی کردن سرمایه گذاریهای می باشد میزان اهرم مالی و بدهی بالای سرمایه گذاران و نهادهای مالی یکی از دلایل عمده ای است که زمینه ساز بروز بحرانهای مالی می شود برای توضیح این مطلب فرض کنید بنگاهی برای طرح های سرمایه گذاری خود چندین راه پیش رو دارد اولین راه این است که بنگاه تمام وجوه لازم برای تامین مالی سرمایه گذارانش را از منابع مالی خود تامین کند در نتیجه دامنه سود و زیان به خود بنگاه محدود می شود بنابراین در صورت زیان دهی طرح های سرمایه گذاری کل زیان متوجه خود بنگاه است و منابع مالی خود بنگاه از دست می رود و دامنه سود و زیان به نهادهای مالی و بازار مالی کشانده نمی شود حال اگر بنگاه بخواهد دامنه فعالیت های خود را افزایش دهد و طرح های سرمایه گذاری بیشتری را اجرا کند و منابع مالی خودش برای این منظور کافی نباشد مجبور است از بازار مالی قرض بگیرد در حقیقت بدهی خود را افزایش دهد یا خود را اهرمی کند لذا این بار دامنه سود و زیان سرمایه



گذاریهایش به خود بنگاه محدود نمی شود و به بازار مالی نیز کشانده می شود حال در صورت کسب سود سودش از حالت قبلی که از منابع خودش استفاده می کرد بیشتر است و بر عکس در صورت زیان دهی سرمایه گذاری ها نیز زیان از حالت قبل بیشتر خواهد بود در نتیجه هر چه میزان اهرم مالی بنگاه بالاتر باشد در صورت زیان احتمال اینکه نتواند بدهی های خود را بازپرداخت نماید بیشتر شده و احتمال اینکه زیان به نهاد مالی و لذا بازار مالی سرایت کند بیشتر است بنابراین هر چه اهرم مالی بنگاه بالاتر باشد احتمال اینکه بی ثباتی مالی از بنگاه به نهاد مالی نیز سرایت کند بیشتر خواهد بود. حال چنانچه بنگاه های زیادی به طور مشابه اهرم مالی بالایی را داشته باشند در صورت زیان دهی سرمایه گذاری ها زیان ها از بنگاهها به نهادهای مالی نیز سرایت کرده و لذا هر چه دامنه زیانها بیشتر باشد بی ثباتی های مالی شدیدتری را در بنگاه ها و به نوبه خود در نهادهای مالی ایجاد کرده و بنابراین احتمال بروز بحران مالی بیشتر خواهد بود بنابراین هر چه میزان اهرم مالی یا میزان اتکا به وام در یک اقتصاد بالاتر باشد احتمال بروز ورشکستگی ها و بحران های مالی نیز بیشتر خواهد بود. در واقعیت نیز میزان بدهی و اهرم مالی قبل از بحران های مالی بین نهادهای مالی و بنگاهها افزایش می یابد برای مثال قبل از رکود عظیم دهه ۱۹۳۰ قرض گرفتن برای تامین مالی سرمایه گذاری ها و سفته بازی در بازار سهام قبل از سقوط وال استریت کاملاً رایج شده بود این مطلب در مورد بحران مالی اخیر نیز مشاهده می شود به گونه ای که نهادهای مالی در امریکا (و حتی خانوارهای آمریکایی نیز) به طور قابل توجهی قبل از بحران میزان بدهی یا اهرم مالی بالایی داشتند همین عامل آسیب پذیری آنها را نسبت به ترکیدن حباب را تشدید کرد. اما بانک های اسلامی که در طرف تجهیز و تخصیص منابع خود اکثراً از عقود مشارکتی استفاده می کنند اولاً مسئله اهرم مالی و بدهی بسیار محدودتر وجود خواهد داشت در نتیجه بی ثباتی های مالی ناشی از آن نیز بسیار محدودتر خواهد بود ثانیاً همان گونه که ذکر گردید در صورت از دست رفت دارایی ها با توجه به اینکه منابع بانکها نیز مبتنی بر مشارکت در سود و زیان است متناسب با آن تعدیل می یابد بنابراین این ویژگی تسهیم سود و زیان باعث جلوگیری از آسیب پذیری بانک ها نسبت به شوکهای مالی و به دنبال آن بی ثباتی های مالی خواهد شد و تا حد زیادی از ورشکستگی بانک ها جلوگیری خواهد کرد.

بند سوم: مسئله شوک های حقیقی اقتصاد

یکی از عوامل عمده بی ثباتی در نظام بانکی و مالی متعارف (بین المللی) شوکهای حقیقی که به اقتصاد وارد می شود و موجب افزایش یا کاهش سود آوری بنگاههای اقتصاد می شود و در نتیجه



تقاضا برای تامین مالی سرمایه گذاری بنگاه ها تغییر می کند. اصولاً شوکهای حقیقی که به اقتصاد وارد می شوند و می توانند باعث دوره های تجاری در اقتصاد شوند به دو دسته تقسیم می شوند: شوکهای بخش عرضه و شوکهای بخش تقاضا شوکهای حقیقی تقاضا مانند تغییرات در مخارج دولت و شوکهای حقیقی عرضه مانند تغییر تکنولوژی یا تغییرات قابل توجه در قیمت انرژی (اچ وین، کوویچ ۱۳۸۳، صص ۲۲۸-۲۱۲) حال اگر فرض کنیم در نظام بانکداری متعارف یک شوک عرضه مثبت مانند پیشرفت تکنولوژی رخ دهد این باعث ایجاد رونق در اقتصاد شده و سودآوری سرمایه گذاری ها را افزایش می دهد بنابراین سرمایه گذاران برای افزایش سودآوری خود در جهت افزایش سرمایه گذاری تقاضا برای وام گرفتن و افزایش می دهند (البته اگر هزینه تامین مالی یعنی نرخ بهره ثابت باشد یا بطور نسبی کمتر از نرخ سودآوری افزایش یابد) در نتیجه سرمایه گذاری ها افزایش یافته و رونق اقتصادی افزایش خواهد یافت. و اگر برعکس اگر یک شوک حقیقی منفی به اقتصاد وارد شود و فرض کنیم نرخ بهره ثابت باشد تقاضا برای سرمایه گذاری و به نوبه خود تقاضا برای گرفتن وام کاهش می یابد و بنابراین رشد اقتصادی کم شده و اقتصاد وارد رکود می شود.

حال هر چه این شوکهای حقیقی مثبت و منفی که به اقتصاد وارد می شود شدیدتر باشد دامنه نوسان در سرمایه گذاری ها و تقاضا برای وام گرفتن و در نتیجه رکود و رونق هایی که اقتصاد تجربه می کند نیز شدیدتر خواهد شد در نتیجه این مسئله عامل مهمی در ایجاد بی ثباتی های مالی و اقتصادی و به نوبه خود عامل مهمی در ایجاد بحرانهای مالی و اقتصادی خواهد بود.

اما اگر به جای بانکهای متعارف بانک های اسلامی با تکیه بر عقود مشارکتی در بازار مالی فعالیت کنند در صورت وارد شدن شوکهای حقیقی مثبت و منفی به اقتصاد با توجه به اینکه میزان سودبری بانک ها موافق دوره ای تغییر می کند یعنی زمانی که به خاطر وارد شدن یک شوک مثبت تقاضا برای تامین مالی طرح های سرمایه گذاری به علت افزایش سودآوری افزایش می یابد دلیل اینکه بانکهای اسلامی در سود و زیان طرح های سرمایه گذاری شریک می شوند میزان سودبری بانک ها نیز افزایش یافته بنابراین میزان افزایش سود بنگاه ها در نظام بانکداری اسلامی نسبت به بنگاه ها در نظام متعارف کمتر خواهد بود لذا تقاضا برای تامین مالی سرمایه گذاری ها به نسبت بانکداری متعارف افزایش کمتری داشته در نتیجه اقتصاد رونق خفیف تری را تجربه خواهد کرد و بالعکس اگر یک شوک منفی شدید به اقتصاد وارد شود و سودآوری انتظاری کاهش شدیدی داشته باشد چون میزان سودبری بانک ها نیز کاهش می یابد این باعث خواهد شد که میزان کاهش سود بنگاه ها در نظام بانکداری اسلامی

نسبت به بنگاه ها در نظام بانکداری متعارف کمتر باشد لذا تقاضا برای تامین مالی سرمایه گذاری به نسبت بانکداری متعارف کاهش کمتری داشته و در نتیجه اقتصاد رکود خفیف تری را تجربه خواهد کرد. بنابراین در نظام بانکداری اسلامی مبتنی بر عقود مشارکتی میزان سود بی بانک ها موافق دوره ای حرکت می کند و باعث این می شود که دامنه نوسان سرمایه گذاری ها و اقتصاد کوتاهتر گردد در نتیجه موجب تعدیل خود کار شوک های حقیقی اقتصاد خواهد شد و از این منظر ثبات بیشتری را برای اقتصاد و نظام مالی به همراه دارد.

بند چهارم: مسئله خلق پول و ارتباط با ابزار کالاها و خدمات حقیقی

همان گونه که قبلاً نیز ذکر شده در نظام بانکداری متعارف (بین المللی) در اعطای وام به ارزش وثیقه و جریان وجوه نقد توجه می شود در حقیقت بانکها بیشتر نگران دریافت اصل و فرع وامهای خود هستند و همین که مشخص شود وام گیرندگان می توانند اصل و فرع وامهای خود را بازپرداخت کنند اقدام به اعطای وام خواهند کرد و به اینکه وام گیرندگان این وجوه را صرف چه کاری می کنند توجه چندانی نمی کنند. بنابراین در صورتی که فعالیتهای غیر مولد و سفته بازی^۱ سودآوری بیشتری نسبت به سرمایه گذاری و فعالیتهای مولد داشته باشند وجوه به سمت این فعالیتهای سرازیر شده و به بخش واقعی اقتصاد وارد نخواهد شد. فعالیتهای سفته بازی باعث خواهند شد که قیمت دارایی های مالی یا کالاها افزایش قابل توجهی بیش از ارزش واقعی شان داشته باشند در حقیقت این فعالیت ها موجب شکل گیری حبابهای قیمتی خواهند شد حال اگر به هر دلیلی کاهش قیمت دارایی مالی یا کالایی که سفته بازی بر روی آن صورت می گیرد برود این باعث خواهد شد که سفته بازان از این بازار خارج گشته و قیمت آن دارایی مالی یا کالا به شدت کاهش یابد که خود این زمینه ساز ایجاد بی ثباتی در بازارهای مالی خواهد بود. بنابراین هر چه ارتباط بانک با بازار کالاها و خدمات حقیقی کمتر باشد احتمال فعالیتهای سفته بازی و بروز حبابهای قیمتی بی ثباتی و بحرانهای مالی بیشتر خواهد بود. با توجه به اینکه بانکهای اسلامی در عقود مبادله ای اقدام به خرید فروش یا اجاره کالاها و خدمات حقیقی می کنند و در عقود مشارکتی تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی را تامین مالی می کنند بنابراین باید ارتباط نزدیک و پیوسته ای با بازار کالاها و خدمات حقیقی داشته باشند در نتیجه پولهای خلق شده توسط نظام بانکی صرف تولید یا مبادله کالاها و خدمات حقیقی شده و راهی

- سفته بازی مالی می تواند شامل خرید و فروش (به ویژه کوتاه مدت) و نگهداری سهام، اوراق قرضه، کالاها، ارز، دارایی های حقیقی، مشتقات مالی یا هر ابزار مالی ارزشمندی باشد که نوسانات در قیمتش صرف نظر از ارزش اساسی اش سود می برند.^۱



فعالیت های سفته بازی نخواهند شد در حقیقت خلق پول متناسب با افزایش تولید و مبادله کالاها و خدمات حقیقی صورت خواهد گرفت بنابراین از فعالیت های سفته بازی در بانکداری اسلامی کاسته شده و به نوبه خود احتمال شکل گیری حبابهای قیمتی و ترکیدن آنها و در نتیجه احتمال بروز بی ثباتی و بحرانهای مالی متعاقب آن نیز به مراتب کمتر خواهد شد.

بند پنجم: مسئله سرمایه گذاری خارجی و عدم تطابق ارزی

یکی از عوامل عمده بی ثباتی در سطح جهان حرکت سرمایه ها از یک کشور به کشورهای دیگر برای کسب سود بیشتر است با توجه به اینکه صاحبان سرمایه سرمایه ها را به منظور کسب سود بیشتر از کشوری به کشور دیگر انتقال می دهند و مانع جدی برای خروج سرمایه خود ندارند با تغییرات اندکی در سود ممکن است اقدام به جابه جایی سرمایه خود کرده و اگر این جابه جایی سرمایه ها بزرگ باشد باعث بروز بی ثباتی و بحران های مالی و اقتصادی در جوامعی می شوند که سرمایه ها در آنها سرازیر شده بودند. به ویژه اگر ریسک عدم تطابق ارزی نیز وجود داشته باشد یعنی سرمایه ها بر حسب پول خارجی وارد کشوری که نرخ ارزی ثابتی را حفظ می کند شود و بر حسب پول داخلی به متقاضیان داخل کشور وام داده شود جنوب شرق آسیا را می توان نمونه ای از این گونه بحران ها دانست اما در بانکداری اسلامی و به ویژه در عقود مشارکتی با توجه به اینکه ورود سرمایه گذاری خارجی با بازار کالاها و خدمات حقیقی پیوند خورده بنابراین در صورت زیان دهی سرمایه ها سرمایه گذاران خارجی نیز در زیان سهیم بوده و به دلیل مشارکت در سود و زیان و وجود تعهد قادر به خروج سریع سرمایه خود نخواهند بود و در نتیجه پذیرش سرمایه گذاری خارجی بر مبنای مشارکت در سود و زیان تا حد زیادی بی ثباتی های مالی و بحران های اقتصادی ناشی از ورود و خروج سرمایه را از بین خواهد برد و نظام مالی با ثبات تری را به وجود خواهد آورد.

نتیجه گیری

بانکداری اسلامی از طریق به کارگیری عقود مشارکتی یعنی شریک کردن خود و سپرده گذاران در سود و زیان و ریسک فعالیت های سرمایه گذاری قادر است:

- ۱- با ایجاد تعدیل پذیری متناسب در دارایی ها و بدهی های عدم تطابق دارایی ها و بدهی ها را از بین برده و از بروز بی ثباتی های مالی و در نتیجه بحرانهای مالی متعاقب آن جلوگیری کند.
- ۲- در بانکداری مبتنی بر مشارکت در سود و زیان اهرم مالی و بدهی حذف شده در نتیجه از پیامدهای منفی آن از جمله بروز بی ثباتی های مالی جلوگیری به عمل می آید.

۳- با توجه به افزایش میزان سود بانکها در دوران رونق اقتصادی و کاهش آن در دوران رکود اقتصادی بانکهای اسلامی با تعدیل خودکار تقاضای سرمایه گذاری قادر به جذب و تعدیل خودکار شوکهای حقیقی اقتصاد خواهند بود.

۴- در بانکداری اسلامی خلق پول متناسب با تولید حقیقی اقتصاد صورت می گیرد در نتیجه این ویژگی موجب حذف یا حداقل کاهش فعالیت های سفته بازی و به دنبال آن کاهش احتمال شکل گیری حبابهای قیمت دارایی ها و کاهش پیامدهای ناشی از ترکیدن حبابهای قیمتی خواهد شد.

۵- انجام سرمایه گذاری خارجی بر مبنای مشارکت در سود و زیان علاوه بر اینکه سرمایه گذاران خارجی را در ریسک فعالیت های سرمایه گذاری شریک می کند باعث جلوگیری خروج سریع و کوتاه مدت سرمایه ها از یک کشور شده و بنابراین تا حد زیادی از بروز بحران هایارزی جلوگیری می کند.

۶- جامعه ای که اخلاق اسلامی را به جای اخلاق سرمایه داری ترویج و نهادینه کند از طریق برخوردار شدن از اثرات مثبتی این اخلاق در جامعه بر جای می نهد می تواند مانع بزرگی بر سر راه بروز بی ثباتی و بحران های مالی ایجاد کند.

۷- بنابراین با توجه به موارد نامبرده می توان گفت که اگر در جامعه ای اخلاق اسلامی ترویج و نهادینه شود، بانکداری اسلامی تا حد زیادی قادر به جلوگیری از بروز بی ثباتی های مالی و بحران های متعاقب آن خواهد بود.



منابع و مأخذ

۱. خلیلی عراقی، منصور و سوری، علی (۱۳۸۳) راهنمای نوین اقتصاد کلان، تهران: انتشارات برادران، ترجمه کتاب a Modern Guide macroeconomics to a Modern Guide macroeconomics & B.snowdon P.wynarczyk ۱۹۹۴
۲. پژوهشکده پولی و بانکی (۱۳۹۰) «مباحثه، خرید دین و استصناع»، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۲
۳. عیوضلو، حسین، میسمی، حسین؛ «بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف»، فصلنامه اقتصاد اسلامی شماره ۳۱. ۱۳۹۰
۴. موسویانف سیدعباتس (۱۳۸۴) «ارزیابی قراردادهای و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا» فصلنامه اقتصاد اسلامی ۱۳۸۹
۵. همان (۱۳۸۱ب) بانکداری اسلامی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ اول ۱۳۸۹
۶. جهانخانی، علی و پارسایان، علی (۱۳۷۸) پول و ارز بانکداری، تهران: انتشارات سمت، ترجمه کتاب Money, currency and banking تألیف F.Mishkin
۷. نوری احمدی ابادی، حبیب، بررسی مزیت‌های بانکداری اسلامی با رویکردی بر بحران‌های مالی و اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران. ۱۳۹۲
۸. هدایتی، سید علی اصغر، سفری‌فعلی اصغری، کلهر، حسن و بهمنی محمود، عملیات بانکی داخلی - (تخصیص منابع) تهران: موسسه عالی بانکداری ایران، بانک مرکزی ۱۳۹۲

